

### شفیع عیار- روشنگر و عیار نستوه

من شفیع عیار را از نزدیک نمی شناسم. اما شناخت من از او از طریق برنامه های جالب و دیدنی اش است. برنامه های یوتوبی شفیع عیار در شبکه یوتوب هزاران بیننده و شنونده دارد. کار روشنگری اش، نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای فارسی زبانان کشور های دیگر نیز هویدا و آشنا است.

من نخستین بار وقتی با برنامه های شفیع عیار آشنا شدم که در آن وقت گرداندگی تارنمای «فیروزکوه» را به دوش داشتم و محترم سلیمان کبیری این برنامه ها را برای نشر در تارنمای «فیروزکوه» می فرستاد.

خوشبختانه کنون برنامه های شفیع عیار را نه تنها در شبکه خودش در یوتیوب می توان دید بلکه همچنان در تارنمای پربیننده آریایی نیز مشاهده کرد.

به حق می توان گفت که شفیع عیار یک روشنگر بی بدیل و نستوه است. او از همان زمان که به کار روشنگری اش آغاز کرد تا کنون به برنامه هایش به گونه دوامدار و پی هم ادامه میدهد که بیش از 1308 برنامه منتشر کرده است و هر روز به شمار بینندگانش افزوده می شود. البته منقدانش نیز از میان ملاها و آخوندها و مریدان آخوند و ملاکم نیستند.

شفیع عیار به حق که ستاره تابان در آسمان تاریخ افغانستان و برنامه هایش روشن کننده این آسمان است. تا کنون کمتر کسی جرأت کرده است با نام و نشان خود روشنگری و تابوشکنی کند.

او هم در مسایلی سیاسی و اجتماعی و هم در مسایل دینی برنامه های پرمحتوا و انتقادی دارد. البته برنامه های دینی شفیع عیار بسیار جالب و آموزنده اند.

همین برنامه ها جامه داران دینی را بارها سخت برآشفته و خشمگین ساخته است و خواب خوش را از چشمان آنان ربوده. جامه پوشان دینی بارها شفیع عیار را به الحاد و کفرگویی متهم کرده و به بحت و مناظره اش دعوت کرده اند ولی حاجت به بیان نیست که افکار کهنه در برابر استدلال های شفیع عیار تاب مقاومت ندارند.

دور از احتمال نیست که در خفا نیز تلاش های برای ممنوع کردن برنامه هایش انجام شده باشد.

به گفته سعدی:

نور گیتی فروز چشمه هور

زشت باشد به چشم موشک کور

در کشور های اسلامی انتقاد از دین ممنوع است. اما هرچه دروغ بگویی و گزافه سراپی کنی یا از جن و پری و چیز های ناپیدا سخن بگویی و کودکان کشور را به خرافه پرستی تربیه کنی روا و جایز است.

ما می دانیم که بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر آزادی بیان و افکار یک حق فطری و سرشتین آدمیزاد است. آنچه که شفیع عیار در برنامه هایش بیان می کند، از دید اخلاقی و انسانی هم حق است و هم درست. اما کسانی تاب شنودن آن را ندارند.

با وجودی که در کشور ما در صد سال آخر، دین اسلام چندین بار، باعث به قدرت رسیدن تاریک اندیش ترین گروه های اسلامی شد اما کسانی که این امر را به دین اسلام پیوند می دهند کم اند. یا دهن ها بسته و زبان ها لال است. به یک کلام، انتقاد از دین یک تابو است.

در حالیکه بسیاری نویسندگان خود شان بخوبی می دانند که فقط و تنها بهانه دینی و اتهام به کفر و الحاد، کشتار و ویرانی به راه الله بود که باعث سقوط حکومت ها و ویرانی کشور شده است. یقین که بسیاری ها از دین خود آگهی ندارند و اگر مشکلی می بینند می گویند که «در اسلام هیچ عیبی نیست، هر عیبی که هست از مسلمانی ما است».

در حالیکه قضیه برعکس است: «در مسلمانی ما هیچ عیبی نیست، هر عیبی که هست از اسلام است».

بسیاری ما مسلمانان مانند هر انسان دیگر دارای عاطفه، مهر، رحم، شفقت و اخلاق نیک هستیم و به انسان های دیگر ارزش، احترام و شایستگی انسانی قایلیم.

به ویژه ازین جهت نیز که فرهنگ ما، بزرگان فرهنگی ما از طریق عرفان و ادبیات عمیق عرفانی به ما یاد داده اند که «بنی آدم اعضای یک دیگرند». «چیزی که به دیگری نمی پسندی به خود نیز مپسند».

یا باسخنان عامیانه «موسا به دینی خود و عیسا به دین خود». «هرکسی گورش و اعمالش» و سخنان ازین قبیل در میان مردم ما بسیار است.

اما این احترام تا وقتی است که به اسلامیت فکر نکنیم. همین که اصول اسلامی را بالاتر از اصول ابتدایی انسانی گذاشتیم، و به احکام اسلام مراجعه کردیم دیگر به انسان و انسانیت احترامی نمی ماند. زیرا به اساس آموزه های اسلامی هیچ دینی غیر از دین اسلام، پذیرفتنی نیست. کسانی که مسلمان نیستند بدترین مخلوقات و مسلمانان بهترین مخلوقات اند.

این تنها نیست بلکه قتل و کشتار غیر مسلمانان به اساس احکام اسلامی جایز است، زنان، کودکان و اموال آن برای مسلمانان حلال است.

از آنجاییکه ما از دین خود آگهی نداریم یا به آن فقط ایمان داریم و بس، فکر می کنیم که چنین احکام وجود ندارد، از آن سرسری می گذریم.

البته ملاها زشتی های این را پنهان می کنند یا با مهارت عالی با ماله کشی از آن می گذرند. اما شفیع عیار آشکارا آنچه را که ملاها پنهان می کنند، عیان می کند.

البته عیان کردن آنچه ملاها پنهان می کنند، عاری از خطر نیست. به ویژه ازین جهت نیز که جزای چنین کسی به اساس حدیث پیامبر و رفتار مسلمانان صادق، مرگ است.

شفیع عیار در یکی از برنامه اش گفت که این خطر وجود دارد و افزود که ما مجبور هستیم که درین راه روشنگری قربانی هم بدهیم.

قربانی دادن جان دشوارترین چیزی است که کسی آن را پذیرا می شود.

چیزی که شفیع عیار بیان می کند بسیاری ها در زیر لحاف هم جرأت گفتن اش را ندارد. چیزی که او درباره دین اسلام می گوید، واقعیت است و کسی انکار کرده نمی تواند.

برماست تا دین خود را به زبان خود بخوانیم و کتابهایی را بخوانیم که نویسندگان آنان به زمان زندگی پیامبر و یارانش از نگاه زمانی نزدیک تر بوده اند. البته تمام این کتاب ها را خود مسلمانان واقعی نوشته اند.

این کتاب ها کدام اند که بخوانیم: از همه اول قرآن که آن را به زبان خود و بدون تعصب اسلامی خواند، نخستین کتاب سیره پیامبر تالیف ابن سحاق، و همه کتاب های تاریخ که در زمان پیدایش اسلام و جنگ های آنان نزدیک تر اند. خوشبختانه تمام این کتاب ها را با ترجمه به زبان فارسی می توان یافت.

ملاها و آخوند های امروزی در واقعیت نقش پیامبران امروزی را به عهده دارند. آنا آیات قرآن را تغییر معنا داده و دیگرگون می کنند و سپس چیزی از زندگی امروزی به آن می افزایند و می کوشند که ما آن را باور کنیم. در حالی که دین اسلام اساس آن قرآن و منبع دیگر آن حدیث است. مسلمان اصیل ازین دو منبع سرکشی نمی کند. این دو منبع منابع اصلی اند، نه سخنان ملاها و یاران شان.

بدبختی در این است که این کتاب ها به واقعیت عینی سازگاری ندارند: مانند کشتار کافران و گرفتن زنان آنان برای ارضایی جنسی و فروش که تنها در اخلاق دینی می توان دید؛ یا محرومیت حق ابتدای انسانی برای زنان مانند حق تحصیل و کار بیرون از خانه، و غیره. این حقوق در کشورهای اسلامی بر اساس دین نیست از روی مجبورت و سازگاری بر وقعیت عینی است.

همچنان تضاد های قرآنی زیاد است. الله در زمان که پیامبر در مدینه بود و قدرت نداشت الله تنها آرزو می کند چنین یا چنان شود: مثلاً که دست ابولهب بریده باد (آیه یکم سوره لهب).

اما در اوج قدرت پیامبر ثناگو و ستاینده پیامبر می شود و می گوید که الله و فرشته ها همه به او درود می گویند، ای مومنان شما هم درود بگویند و به فرمانش بخوبی گردن نهید (آیه 56 سوره احزاب).

این همه بخوبی نشان میدهد که این کتاب گفته بشر است. بشری که بر اساس مقتضیات زمانش سخن می گوید.

ممکن است ازین رو ملاها مدرسه خوانده و ملاهای دانشگاه خوانده در معنای آیه و احادیث تصرف ناجایز می کنند و سپس به شکل یک داستان قابل قبول به پیروان خود تقدیم می کنند.

اگر ما دین را در اصل او یعنی قرآن و حدیث بخوانیم که بسیار آسان و ساده هم است، آنگاه ماهیت دین فروشی آخوند ها را بخوبی میدانیم. ترجمه های هم که از قرآن و احادیث شده ساده، رسا و فهما اند.

ساده بودن دین چیزی است که ملا ها خوش ندارند بگویند. چون ملا ها میخواهند که تنها آنان مرجع و منبع پرسش و پاسخ باشند. آنان می کوشند مسایل دینی را بسیار پیچیده و مغلق بنمایانند تا مردم فکر کنند که تنها ملا ها آن را می دانند و دیگران از فهم قرآن و احادیث عاجز اند.

دین اسلام در جامعه بدوی و ساده قریش و عرب پدید شد. در قرآن بار ها گفته شده است که کلام الله به زبان عربی، برای مردم عرب و بس ساده و روشن روان بیان شده است.

این بر عکس ادعاهای ملا ها است که برای انحراف اذهان مردم می گویند که شفیع عیار زبان عربی نمی داند. پس دین را هم نمی داند.

حال اینکه شفیع عیار با منبع ها و مرجع های دینی اسلام را بیان می کند. آیت ها و حدیث ها را دقیق و با منبع آن ذکر می کند.

من این یادداشت را به خاطر سپاسگزاری و قدردانی از کوشش های روشنگرانه شفیع عیار نوشتم. شادکام، سربلند و پیروز مند باشند.